

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

صص ۲۴-۱

پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس

دکتر سید یحیی صفوی* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع)

علی اصغر قنبری - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۶

چکیده

در گذشته اغلب تعارضات و کشمکش‌های فی‌مابین دولت‌ها در خشکی‌ها بوده و مناطق دریایی کمتر مورد منازعه بوده‌اند. لیکن در یک قرن اخیر، به دلیل نقش مضاعفی که دریاها یافته‌اند؛ تلقی از مساله قدرت، امنیت و منافع ملی در رابطه با دریاها را دچار تحول نموده است. در آغاز قرن ۲۱، دولت امارات متحده عربی اعلام کرد که تا ده سال آینده، ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آبهای خلیج فارس خواهد ساخت. این مقاله با طرح این مسئله که «از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده‌پژوهی، احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی در سواحل خلیج فارس، چه پیامدهایی بر ایران خواهد داشت؟»، این موضوع را مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است. نتایج حاصله از این مطالعه، گویای این واقعیت است که با توجه اهمیت اقتدار و منافع ملی ایران به‌عنوان دارنده بیشترین ساحل و جمعیت در خلیج فارس، ساخت جزایر مصنوعی امارات در حجم وسیع که در جهان بی‌نظیر است؛ در آینده باعث طولانی‌تر شدن روند تعیین مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران با امارات، پررنگ‌تر شدن ادعای امارات بر سر جزیره ابوموسی ایران و تیرگی روابط ایران با امارات و در نهایت با توجه اهمیت خلیج فارس، باعث حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و دخالت بیشتر آنان در کشورهای عربی منطقه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای سیاسی دریاها، جزایر مصنوعی امارات، مرزهای دریایی، حقوق دریاها، خلیج فارس.

۱- طرح مسأله

جغرافیای سیاسی دریاها، موضوع جدیدی در جغرافیای سیاسی است که رفتار و حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. از اینرو تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس به ایران، در حالی که این دریا به‌عنوان دریای نیمه‌بسته شناخته شده است؛ ضرورت بررسی و حساسیت بر روی هرگونه فعالیت دریایی توسط کشورهای ساحلی همسایه را برای ایران مضاعف می‌گرداند. بنابراین با آغاز قرن ۲۱، دولت امارات متحده عربی اعلام کرد که تا ده سال آینده، ۳۲۵ جزیره مصنوعی با سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیارد دلاری در آبهای خلیج فارس خواهد ساخت؛ در حالی که هیچ رسانه‌ای به انعکاس و تحلیل این اقدام و عواقب آن مبادرت نکرد. بررسی و مطالعه این موضوع در حالی اهمیت می‌یابد که بخش زیادی از تحدید مرز دریایی ایران و فدراسیون امارات متحده عربی در خصوص ادعای سرزمینی این کشور نسبت به جزایر ایرانی خلیج فارس لاینحل مانده است.

از طرفی دیگر، چنین معمول شده است که هر بار در نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس چه در سطح وزیران خارجه آنها و یا رؤسای کشورهای عضو، در بیانیه نهایی، جمله‌ای هم درباره سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به نفع امارات گنجانده می‌شود. تا اینکه در سال ۱۳۸۵ پس از آنکه ادعای بی‌اساس امارات درباره جزایر سه‌گانه ایرانی به نتیجه نرسید، اعلام نمود که این کشور قصد دارد تا ۱۰ سال آینده، بیش از ۳۲۵ جزیره مصنوعی را در سواحل خلیج فارس احداث کند. از طرفی دیگر، سابقه حضور طولانی استعمار در خلیج فارس در استفاده از منابع زیرزمینی و ترسیم مرزهای سیاسی دریایی و خشکی این منطقه به نفع سیاست‌های پنهان خود و اهمیت ذاتی خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ذخایر انرژی از جمله نفت و گاز و در حال حاضر، حضور گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای در کشورهای جنوبی خلیج فارس از جمله امارات؛ خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن، بسیار حیاتی ساخته است. به طوری که حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس همچنان تا دهه‌های آینده کانون توجه، تنش و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی

خواهد بود و هرگونه تصمیم در ایجاد تغییرات عمده در سواحل جنوبی آن در پی اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی، پیامدهای ناگواری را بر کل سیستم خلیج فارس و دیگر کشورهای ساحلی بویژه ایران خواهد داشت. این در حالی است که تعیین مرزهای دریایی بین ایران و بیشتر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس انجام پذیرفته است، اما تعیین مرزهای دریایی ایران با امارات و بعضی از این کشورها، هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. بنابراین آنچه این نوشتار در پی تبیین آن است، پیامدهای ناشی از احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس از دیدگاه جغرافیای سیاسی و اشاره کوتاه به نقض آشکار حقوق بین‌المللی در این زمینه است.

سؤال اصلی

از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده پژوهی، احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی در سواحل خلیج فارس، چه پیامدهایی بر ایران خواهد داشت؟

فرضیات

- ۱- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث طولانی‌تر شدن روند تعیین مرزهای دریایی ایران با امارات خواهد شد.
- ۲- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث پیچیده‌تر شدن اختلاف بر سر جزیره ابوموسی و نیز باعث تیرگی روابط متقابل بین ایران و امارات خواهد شد.
- ۳- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث محروم شدن ایران از حقوق دریایی خود به‌عنوان دارنده بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس خواهد شد.

۲- مبانی نظری

جغرافیای سیاسی دریاها، شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی است که رفتار و حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی و همچنین نقش عوامل و عناصر دریایی در سیاست دولت‌ها و روابط بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۳۷). بنابراین در جغرافیای سیاسی دریاها، موضوعاتی از قبیل محدوده مرزها و قلمروهای دریایی، دریاها، بسته و نیمه‌بسته، جزایر طبیعی و مصنوعی، تنگه‌ها و رودخانه‌های بین‌المللی به‌طور اخص

مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. در هر دو کنوانسیون حقوق دریاها در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، از جزیره، تعریف مشترکی به عمل آمد و آن عبارت است از «قطعه زمینی که به‌طور طبیعی به‌وجود آمده باشد و اطراف آن را آب فرا گرفته باشد. تمام جزایر دارای دو قلمرو دریای سرزمینی و منطقه نظارت هستند. اما جزایر مصنوعی فاقد هر نوع قلمرو دریایی اند (پیشگاهی فرد ۱۳۸۴: ۹). اما در ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲، دولت ساحلی در احداث جزایر مصنوعی در منطقه انحصاری اقتصادی حق انحصاری دارد، اما در احداث این‌گونه جزایر، می‌بایست اطلاعاتی لازم داده شود (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۳۸). همچنین طبق ماده ۱۲۲ این کنوانسیون، خلیج فارس را می‌توان یک دریای نیمه‌بسته قلمداد نمود. از طرفی نیز در ماده ۱۲۳ این کنوانسیون، مصوب شده است که دولت‌های حاشیه یک دریای بسته و یا نیمه‌بسته در اجرای تکالیف خود با همدیگر همکاری خواهند کرد و اداره، حفظ، کاوش و بهره‌برداری از منابع جاندار و حفظ محیط زیست دریایی و خط مشی‌های تحقیقات علمی با همدیگر هماهنگی خواهند نمود (همان: ۸۲). نکته مهم دیگر این است که در اعمال حاکمیت بر پهنه‌ای از دریا، تعامل مستمر در مباحث حقوقی، دیپلماسی، امنیتی، رعایت استقلال و نفع ملی در بین کشورهای ساحلی مطرح است. همچنین در قلمرو مغشوش عرف و سنت، مذاکره و مجادله، ادعا و ضد ادعا، همه دست در دست هم می‌دهند و به اصطلاح حقوقدانان Lex Ferenda «آنچه که باید باشد» را تبدیل به Lex Lata «آنچه که هست» می‌کند (D.P.O.connell, 1983: 38).

در این بین، نقش قدرت و ادعا، بسیاری از اوقات تعیین کننده است و به‌طور معمول در حقوق بین‌الملل، ادعای یک جانبه در صورتی که با اعتراض مواجه نشود؛ زمینه را برای به‌وجود آوردن عرف فراهم می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۱). بنابراین، با توجه به موارد قانونی فوق‌الذکر، هرگونه فعالیت در خلیج فارس باید با هماهنگی و همکاری قبلی با دیگر دولت‌های ساحلی در خلیج فارس صورت بگیرد. ضمن اینکه امارات متحده عربی از تاریخ تحدید حدود مرزها و قلمروهای دریایی در خلیج فارس، در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی، ادعا دارد و از طرفی نیز، هنوز محدوده آبهای سرزمینی خود را به‌طور رسمی اعلام نکرده است. این در حالی است که امارات با اقدامات خودسرانه و تحریک‌آمیز در ساخت جزایر مصنوعی،

کنوناسیون‌های حقوق دریاها را زیر پا گذاشته است و با طرح ادعاهای واهی، به دنبال گسترش قلمرو دریای سرزمینی و یا مالکیت بر برخی از جزایر ایرانی در خلیج فارس می‌باشد. علاوه بر این، برخی مناطق جهان به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی که برای امنیت جهانی دارند مورد توجه ویژه هستند و ایجاد ناامنی در آنها به سرعت به خارج از منطقه گسترش می‌یابد و چه بسا امنیت جهانی را با خطر مواجه سازد. آشکار است که درگیری و منازعه در این مناطق تفاوت بسیاری با مناطقی دارد که درجه پایین‌تری از اهمیت را دارند (مجتهدزاده و ربیعی، ۱۳۸۸: ۲۰). از اینرو منطقه خلیج فارس از این قاعده مستثنا نمی‌باشد.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- جزایر مصنوعی امارات متحده عربی

امارات متحده عربی از جمله کشورهای عربی جنوب خلیج فارس است که در سابق «امارات متصالحه» (اماراتی که صلح کردند) نامیده می‌شد. امارات در قالب یک فدراسیون سیاسی از هفت امارت یا شیخ‌نشین تشکیل شده است که به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، رأس‌الخیمه و فجیره. امارات از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول بخش جنوبی تا شرق ساحل خلیج فارس از پایه شرقی قطر تا پایه رأس‌المسندام در جنوب تنگه هرمز (در شبه جزیره مسندام) امتداد یافته و بین ۲۲ درجه تا ۲۶ درجه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی و ۵۱ درجه تا ۵۶ درجه و ۳۰ ثانیه طول شرقی واقع شده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۸).

جزایر مصنوعی که امارات متحده عربی در حال ساخت آن می‌باشد، شامل سه جزیره به شکل نخل می‌باشد که به جزایر نخیل معروف است. طول هر کدام از این جزایر، بیش از ۶ کیلومتر می‌باشد و یک جزیره بیضوی به شکل نقشه ۵ قاره کره زمین در منطقه‌ای به طول ۹ کیلومتر و عرض ۶ کیلومتر است. یکی از آنها با جزایر کوچک دیگر محاصره شده که در مجموع یک شعر عربی را ساخته‌اند و یک گروه چهارمی شامل ۳۰۰ نیز وجود دارد که به شکل و نقشه کشورهای جهان خواهد بود که به نام همان کشورها نامگذاری خواهد شد. قطعاً سود کلانی از اجرای این پروژه با شعار «مکانی بی نقص برای دور شدن از دنیا»، نصیب امارات

خواهد کرد. دبی بودجه‌ای بیش از ۲۰ میلیارد دلار را برای آن در نظر گرفته است. مجری این طرح، شرکت نخیل است و سلطان بن سلیم مدیر پروژه نخیل گفته است: «ساخت این جزایر از نظر بسیاری از اهالی دبی بیش از حد نمایشی هستند؛ ولی هنگامی که این پروژه تمام شود، ما ۱۲۰۰ کیلومتر مرز دریائی خواهیم داشت و امکاناتی چون خطوط راه آهن، سکونتگاه‌ها و گردشگاه‌ها در آن مهیا خواهد شد» (<http://ilna.ir/shownews.asp>).

امارات ۱/۶۵ میلیارد متر مکعب ماسه، یک میلیارد و ۸۷ میلیون تن صخره برای ساخت اولین جزیره نخیل استفاده کرده و حدود یک میلیارد تن صخره برای تکمیل نهایی این جزیره در راه است. صدها غول مکانیکی و ادوات راه‌سازی و ساختمان‌سازی در سه شیفت کامل کاری (شبانه روزی) در حال خلق ماهیت جدید برای امارات هستند. عملیات احداث این جزایر از سال ۲۰۰۳ آغاز شده و طبق برنامه قرار است، طی ۱۰ سال این جزایر تکمیل شود. همچنین ساخت جزایر ۳۰۰ گانه نخیل که به نام العالم خوانده می‌شود و به شکل نقشه جهان است از سال ۲۰۰۵ آغاز شده است. هزینه ساخت این جزایر که طرح آن به وسیله شیخ محمد بن رسبه المکتوم (شاهزاده دبی) پیشنهاد شده است؛ تاکنون ۷/۱ میلیارد دلار پوند برآورد شده است. فاصله هرکدام از جزایر صد متر است، قرار است این جزایر به افراد حقیقی و حقوقی فروخته شود که به گفته مقامات امارات، تاکنون سه جزیره به وسیله افراد حقیقی و ۲۷ مورد دیگر نیز توسط شرکت‌های گردشگری و حقوقی خریداری شده است (www.aftab.ir).

تصویری از جزیره نخیل اصلی که شعار معرف احداث این جزایر بر آن نقش بسته است.



[http:// ilna.ir/shownews.asp](http://ilna.ir/shownews.asp)

قیمت هر یک از جزایر بین ۵/۳ الی ۲۰ میلیون پوند خواهد بود. یک میلیارد در انگلیسی که نام او فاش نشده است جزیره انگلیس را که ۱۰ هکتار وسعت دارد تملک کرده و قصد دارد، مدل یک قلعه قدیمی اسکاتلندی را در آن بنا کند. اولین پروژه نخیل، نخل جمیرا بود که برای اجرای این جزیره ۱/۶۵ میلیارد متر مکعب ماسه و ۸۵ میلیون تن صخره جابجا شده و برای تکمیل آن ۱ میلیارد تن صخره به محل آورده شده است. مساحت این جزیره ۱۲ مایل مربع است که به شکل مربع بوده و هرکدام از اضلاع آن حدود ۵ کیلومتر طول دارد. بزرگترین این جزایر، جزیره السعدیات در ابوظبی است که ۲۷ کیلومتر مربع وسعت دارد و برای احداث آن بیش از ۱۰۰ میلیارد درهم امارات، حدود ۲۵ میلیارد دلار هزینه شده است. سلیمه، مجری طرح نخیل می‌گوید، علاوه بر تمام موارد ذکر شده، بقایای دو هواپیمای جنگی، چند جمبوجت و هفت کرجی را به اعماق دریا برده تا برای غواصان، یک پارک زیر

دریایی موضوع دار، به وجود آید.

به طور کلی می توان گفت، در سال ۱۳۸۵ پس از آنکه ادعای بی اساس امارات درباره جزایر سه گانه ایرانی به سنگ خورد، اعلام نمود که این کشور قصد دارد تا ۱۰ سال آینده بیش از ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آبهای خلیج فارس احداث کند. هزینه احداث این جزایر میلیاردها دلار تخمین زده شد. طرح چنین خبری چند هفته ای سوژه خبری بود و اندک اندک از سال گذشته که امارات دچار بحران مالی و سرمایه گذاری گردید و موج بحران مالی جهانی این کشور را نیز فراگرفت؛ دیگر کسی از آن پروژه خبری به زبان نیاورد! اما اخیراً (۱۳۸۹)، وزیر امور خارجه امارات درباره سه جزیره ایرانی اظهارات جدیدی کرد و گفت: «تفاوتی بین ایران و اسرائیل در اشغال سرزمین های عربی نمی بیند! اشغال سرزمین عربی، اشغال است، تفاوتی نیست در اشغال جولان، جنوب لبنان، کرانه باختری یا غزه توسط اسرائیلی ها و اشغال سه جزیره توسط ایرانی ها!» (روزنامه اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹).

۲-۳- پیامدهای مرزی جزایر مصنوعی

جزایر مصنوعی کشور امارات با سرعت زیادی آغاز شده و مساحت بسیار زیادی از آبهای خلیج فارس را به خود اختصاص داده است، به طوری که تا ده سال آینده، تمامی نوار کم عمق ساحلی امارات، به محیطی خشک تبدیل خواهد شد و مورفولوژی خلیج فارس را تغییر خواهد داد (روزنامه قدس ۱۱، بهمن ۱۳۸۸). خشک کردن دریا در سواحل جنوبی خلیج فارس از سوی کشور امارات، پدیده ای است که علاوه بر تأثیر بر محیط زیست، ادعای آینده امارات مبنی بر احتساب خط مبدا دریایی و گسترش آبهای سرزمینی و گسترش مرزهای آبی به سمت جزایر ایرانی بویژه جزیره استراتژیک ابوموسی را هموارتر خواهد ساخت و این خود یک ادعای خزننده محسوب می شود. زیرا با ساخت این جزایر، احتمالاً در آینده، امارات، ادعای افزایش آبهای سرزمینی از آن سوی این جزایر (به عنوان خط مبدا دریایی) را مطرح خواهد نمود. این ادعا علاوه بر موارد فوق، موجب پدید آمدن تنش ها در استخراج منابع دریایی و کف دریا مانند نفت و گاز و... خواهد شد که هنوز بین دو کشور قطعی نشده است. همچنین با اجرای این پروژه، فاصله امارات با جزیره ابوموسی به عنوان آخرین جزیره ایران، حدود ۱۰ کیلومتر

کمتر خواهد شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

از اینرو، پیش‌بینی این وضعیت کار دشواری نیست، زیرا بررسی شرایط و زمینه‌های موجود، در موضوع مرزهای دریایی امارات و ایران، گویای این واقعیت است که امارات قصد دارد؛ با ساخت جزایر مصنوعی گسترده در خلیج فارس، در آینده بیشترین بهره‌برداری از خلیج فارس در مقابل ایران را فراهم سازد و از طرفی نیز تعیین مرزهای دریایی و سرنوشت جزیره ایرانی ابوموسی را به ساخت این جزایر مصنوعی گره بزند. بنابراین، با ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات، شرایطی که در حال حاضر، امارات را در آینده برای ادعای بیشتر بر سر تعیین مرزهای دریایی با ایران و پیچیده‌تر نمودن ادعا در مورد جزایر ایرانی امیدوار می‌سازد، شامل موارد زیر است:

با شروع تعیین مرزهای دریایی در خلیج فارس، از سیصد و بیست کیلومتر مرز دریایی میان ایران و امارات متحده عربی، فقط هفتاد و دو کیلومتر با توافق طرفین در سال ۱۳۵۳ تعیین شده است که از پنج نقطه می‌گذرد. ۲۴۸ کیلومتر باقی مانده دیگر، به علت اختلاف بر سر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ بین ایران و امارات ابوظبی هنوز بلا تکلیف مانده است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۷۷). در تعیین مرز دریایی ایران و دبی (۷۲ کیلومتر)، به منظور استفاده از خط منصف، جزیره سیری نادیده گرفته شده و خط مرز، کمی به طرف جنوب جابجا شد، ولی هنوز هیچ موافقت‌نامه‌ای بین ایران و امارات منعقد نشده و دلیل آن اختلاف بر سر جزیره‌های ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۲۰). این در حالی است که ابوموسی در فاصله پنجاه و شش کیلومتری از ساحل امارات قرار دارد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۷۷).

علاوه بر این، باید به این نکته توجه داشت که مرزهای دریایی در خلیج فارس از قدمت زیادی برخوردار نیست. هر چند در طی قرون متمادی، تنها قدرت ساحلی در خلیج فارس، ایران بوده است و در موارد زیادی به علت گسترش قلمرو حکومت‌های ایرانی به آن سوی خلیج فارس، خلیج فارس به‌عنوان آب‌های داخلی محسوب می‌شد و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در حاکمیت ایران بوده است (نامی، ۱۳۸۶: ۲۸).

نکته دیگر اینکه، دولت ایران طبق اصلحیه قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه

نظارتی ایران، مصوب فروردین ۱۳۳۸، عرض دریای سرزمینی خود را در خلیج فارس و دریای عمان ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ اعلام کرده است؛ اما امارات متحده عربی هنوز نسبت به این موضوع، اعلام رسمی نکرده است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۸۴). همچنین به علت عمق کم، تمامی سطح خلیج فارس به صورت فلات قاره یکپارچه می‌باشد و لبه سکوی ساحلی، در دهانه دریای عمان ظاهر می‌گردد (نامی، ۱۳۸۶: ۳۶). ولی فلات قاره خلیج فارس به دلیل عرض کم این آبراهه باید میان دولت‌های ساحلی تقسیم شود. طی مذاکرات ایران و انگلیس در سال ۱۹۶۵ خط منصف خلیج فارس به‌عنوان اصلی برای تقسیم فلات قاره میان ایران و همسایگان عربش در دریا تعیین شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۸۵). این در حالی است که معیار خط منصف در خلیج فارس، خود زمینه را برای سوء استفاده امارات بر اساس عرفی شدن قوانین بین‌المللی در دریا را فراهم می‌سازد. در صورتی که برای تعیین مرز دریایی، مکانیسم دیگری تعیین می‌شد، زمینه سوء استفاده کشورهای ساحلی کاهش می‌یافت و زمینه عرفی شدن و مشمول زمان واقع شدن در آن کمتر اتفاق می‌افتاد.

به‌طور کلی، باید یادآوری نمود که براساس اسناد و مدارک تاریخی، جزیره ابوموسی در گذشته متعلق به ایران بوده و تا قرن نوزدهم ایران حاکمیت کامل بر این جزیره داشته است. با ورود انگلیسی‌ها به خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ که این جزیره را ترک کردند، حاکمیت ایران بر این جزیره تضعیف شد، اما به محض خروج نیروهای انگلیسی، ایران با حضور ارتش خود در جزیره بر تعلق آن تأکید کرد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۷۷).

موقعیت جزایر مصنوعی امارات متحده عربی در سواحل جنوبی خلیج فارس



www.anvarionline.net

۳-۳- پیامدهای حقوقی جزایر مصنوعی

خلیج‌ها اساساً از دید حقوق بین‌الملل جزو دریاهای نیمه‌بسته محسوب می‌شوند. تا قبل از اجلاس دوم حقوق دریاهای که در سال ۱۹۷۴ در کاراکاس پایتخت ونزوئلا تشکیل شد، رویه‌ای مشخص در برخورد با خلیج وجود نداشت. در کنفرانس دوم، کشورها مواضع اصولی خود را بیان کردند و نتایج این اجلاس زیربنای کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گوبی قرار گرفت. مسئله دریای بسته و نیمه بسته در این کنفرانس از سوی نماینده ایران مطرح شد و منظور از طرح این موضوع، شناسایی حقوق ویژه منطقه خلیج فارس و دریاهای مشابه آن، تأمین اهداف امنیتی، دفاعی، سیاسی، اقتصادی و اعمال نوعی حاکمیت منطقه‌ای بود. تا اینکه در سال ۱۹۸۲، کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاهای نیمه‌بسته تصویب رسید و با تلاش ایران و برخی دیگر از

کشورهای ساحلی ماده ۱۲۲ این کنوانسیون در خصوص دریای بسته و نیمه‌بسته تدوین و مورد تصویب قرارگرفت. بنابراین، خلیج فارس یک دریای نیمه‌بسته‌ای است که موضوع ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای سازمان ملل متحد می‌باشد (نامی، ۱۳۸۶: ۳۶). بنابراین، از نظر حقوقی هرچند که هرکدام از دولت‌های ساحلی خلیج فارس، می‌توانند در محدوده آبهای سرزمینی خود اقدام به ساخت جزایر مصنوعی کنند؛ اما با توجه به ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل، دولت‌های ساحلی باید در امور مختلف مربوط به بهره‌برداری از حقوق و انجام تکالیف خود با یکدیگر همکاری کنند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۸۲). به همین دلیل می‌توان گفت که اقدام هرکدام از دولت‌های ساحلی برای ایجاد جزایر مصنوعی باید با اطلاع و هماهنگی سایر دولت‌های ساحلی و با توجه به تبعات مختلف آن انجام شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

از طرفی دیگر، در کنوانسیون‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲ که خلیج فارس به‌عنوان دریای نیمه‌بسته شناخته شده است. ایران نیز به هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲، با استناد به مواد ۶۹، ۷۰ و ۷۱ این کنوانسیون در موضع‌گیری در رابطه با موضوع نیمه‌بسته خلیج فارس و محفوظ بودن حق ایران؛ چنین استدلال نموده است که صرف واقع بودن در منطقه نیم‌بسته‌ای مانند خلیج فارس، صرف‌نظر از طول سواحل و غیره، کشور ایران را به دلیل اتکای جمعیت زیاد آن به منابع پروتئین دریایی، در شرایط نامساعدی قرار داده است و کشور دیگری نمی‌تواند ادعای برخورداری از سهم ویژه‌ای را در این منطقه داشته باشد (کاظمی، ۱۳۷۴: ۴۳).

بنابراین، با توجه به موارد قانونی فوق‌الذکر، امارات متحده عربی می‌بایست قبل از تصمیم به ساخت این جزایر، با دولت‌های ساحلی بویژه ایران که دارای بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس است، هماهنگی می‌نمود. در هر حال، امارات با اقدامات خودسرانه و تحریک‌آمیز در ساخت جزایر مصنوعی، کنوانسیون‌های حقوق دریاهای را زیر پا گذاشته است و با طرح ادعاهای واهی، به دنبال گسترش قلمرو دریای سرزمینی خود در خلیج فارس است. این در حالی است که امارات در مورد جزایر ایرانی ابوموسی ادعا دارد و ساخت این جزایر، بیشترین تبعات حقوقی آن در آینده در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، متوجه ایران خواهد

بود. ابعاد حقوقی این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که موضوعات دیگری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد که در این مقاله تا حدودی به آن اشاره شده است. در هر حال، ایران می‌تواند با تکیه به موارد نقض قانون کنوانسیون‌های حقوق دریاهای طرف امارات در ساخت این جزایر، نسبت به اعاده حقوق خود در پهنه آبهای خلیج فارس، اعتراضات قانونی و محکمه‌پسندی را در مجامع بین‌المللی مطرح سازد.

۳-۴- پیامدهای زیست محیطی جزایر مصنوعی

امروزه منافع مشترک کشورها به‌صورت فزاینده‌ای به همکاری جمعی دول و ملل در ارتباط با حفاظت از اکوسیستم کره زمین است. در این میان مسائل زیست محیطی [دریاها] جلوه ویژه‌ای از گره خوردن منافع مشترک را به نمایش می‌گذارد که خلیج فارس نمونه بارز چنین اکوسیستمی است که اشتراک و تضاد منافع دولت‌های واقع در این حوزه ژئوپلیتیکی را نشان می‌دهد (زین‌العابدین، ۱۳۸۴: ۴۱).

از اینرو، ساخت جزایر مصنوعی امارات، مانع گردش طبیعی آب در اکوسیستم خلیج فارس می‌شود. زیرا گردش آب در جهت خلاف عقربه‌های ساعت، از سواحل ایران وارد خلیج فارس می‌شود و در سواحل امارات و عمان وارد دریای عمان می‌شود. بنابراین با ساخت این جزایر، آبهای خلیج فارس شورتر و دمای آب خلیج فارس افزایش خواهد یافت. همچنین آلودگی ناشی از استخراج و حمل نفت در خلیج فارس افزایش می‌یابد و در زندگی و حرکت ماهی‌های مهاجر به خلیج فارس و زندگی لاک‌پشت‌ها و دیگر موجودات دریایی، مشکل جدی ایجاد خواهد نمود. بنابراین ساخت این جزایر، بخش وسیعی از اکوسیستم خلیج فارس را به سمت نابودی سوق خواهد داد (www.farsnews.ir).

همچنان‌که برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با مطرح کردن دغدغه‌های زیست محیطی در صدد سنگ‌اندازی در مسیر توسعه صنعت هسته‌ای ایران هستند، ایران نیز می‌تواند، ضمن طرح ادعای حقوقی در عرصه دیپلماتیک پیرامون ضرورت هماهنگی در مورد احداث جزایر مصنوعی با تمام کشورهای ساحلی خلیج فارس، از طریق سازمان‌های غیردولتی زیست

محیطی امارات را در زمینه پذیرش رسمی مسئولیت پیامدهای منفی زیست محیطی ناشی از احداث جزایر مصنوعی تحت فشار قرار دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

صاحب‌نظران و کارشناسان محیط زیست معتقدند، از آنجایی که همه کشورهای حاشیه خلیج فارس عضو راپمی مرکز مدیریت زیست محیطی کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان هستند؛ باید قبل از احداث این جزایر در داخل دریا، ارزیابی زیست محیطی صورت می‌گرفت و اگر مشخص شود، قبل از احداث این جزایر، ارزیابی‌های مذکور صورت نگرفته باشد؛ جرم تلقی می‌شود. چون این خلیج، دریای نیمه‌بسته‌ای است که دارای اکوسیستم حساسی است و اگر خسارت زیست محیطی در دریای نیمه بسته ثابت شود، ابتدا باید به این کشور اعلام نمود، اگر به نتیجه نرسید، آنگاه به دادگاه (مرجع) بین‌المللی، می‌توان اقامه دعوا نمود. لازم به ذکر است که هیچ‌کدام از کشورهای عربی منطقه، موضعی درباره ساخت این جزایر نگرفته‌اند و همان‌گونه که اشاره شد، حتی بعضی از کشورها مانند بحرین و کویت نیز در حال بررسی ساخت چنین جزایری در سواحل خود هستند (www.aftab.ir).

خلیج فارس، یکی از بزرگترین و متنوع‌ترین زیستگاه‌های جانوری و گیاهی دریایی جهان است، به طوری که دارای بیش از ۶۰۰ گونه از جانوران آبی از جمله ۵۰۰ گونه ماهی، ۱۵ گونه میگو و ۵ گونه نادر لاک‌پشت دریایی و همچنین آبسنگ‌های مرجانی، جوامع جلبکی، درختان حرا و مانگرو می‌باشد که از دیدنی‌های منحصر به فرد این دریای عظیم است (کردوانی، ۱۳۷۷: ۳۴). بنابراین ساخت این جزایر، زندگی آبزیان و چرخه طبیعی حرکت آب و فعالیت‌های دریایی را با مشکل جدی روبرو خواهد ساخت که در این راستا، ایران به‌عنوان کشوری که بیشترین ساحل را در خلیج فارس دارد، بیش از همه آسیب خواهد دید.

۵-۳- پیامدهای ژئوپلیتیکی جزایر مصنوعی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، خلیج‌ها ماهیت متفاوتی نسبت به دریاهاى آزاد دارند. خلیج‌هایی مانند خلیج فارس از طریق یک گذرگاه آبی با کره آبی ارتباط دارند و ورود و خروج کشتی‌ها از طریق این گذرگاه آبی صورت می‌گیرد. این گذرگاه آبی در خلیج فارس، تنگه هرمز است

که از تنگه‌های استراتژیک جهان به‌شمار می‌رود و برای جهانیان از اهمیت حیاتی برخوردار است (نامی، ۱۳۸۶: ۳۶).

این در حالی است که امارات متحده عربی با احداث جزایر مصنوعی، طول سواحل خود را در جنوب خلیج فارس از ۶۰۰ به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش خواهد داد که به‌عنوان دومین کشور دارنده سواحل طولانی در خلیج فارس، باعث افزایش تسلط این کشور بر خلیج فارس خواهد شد. مسامحه در برخورد با این اقدام دولت امارات، باعث خواهد شد، کشورهای دیگر عربی خلیج فارس که با کمبود جدی وسعت و سواحل در خلیج فارس مواجه هستند به این اقدامات ترغیب شوند. همچنان‌که کویت و بحرین نیز اخیراً اعلام کرده‌اند، طرح‌های مشابهی را در دست بررسی دارند. در نتیجه این اقدام در آینده، موجب تضعیف کنترل و مدیریت ایران بر خلیج فارس و [تنگه هرمز] خواهد شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

همچنین امارات در کنار این موضوع، درصدد است یک انبار ۲ میلیارد دلاری گاز مایع در فجیره در شرق امارات ایجاد نماید؛ تا در صورت بسته شدن تنگه هرمز، همچنان امکان صدور گاز برای آن محفوظ بماند. ساخت این پایانه گازی در ساحل شرقی امارات و در دریای عمان به‌جای دبی که در داخل خلیج فارس قرار دارد، این امکان را برای امارات به‌وجود می‌آورد که تنگه هرمز را به‌عنوان یک گلوگاه استراتژیک دور بزند. همچنین شیخ‌نشین ابوظبی نیز قصد دارد، یک خط لوله نفتی را تا فجیره احداث کند که روزانه ۱/۶ میلیون بشکه نفت را به آن سوی تنگه هرمز منتقل نماید و مسیر موجود تانکرها از طریق تنگه هرمز را دور بزند. همه این تصمیمات، در پی احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران صورت گرفته است، تا صورت عملی شدن چنین تهدیدی، آمادگی امارات در رویارویی با این بحران افزایش یابد.

از طرفی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که وضعیت استقبال از ساخت این جزایر مصنوعی به‌حدی است که دونالد ترامپ، میلیاردر آمریکایی و صاحب مؤسسه بین‌المللی گروه هتل‌های ترامپ اعلام کرده است که قصد دارد؛ یکی از بزرگترین و مجلل‌ترین مجتمع‌های مسکونی ۵۰۰ واحدی و هتل بسیار مجللی را در آنجا با مبلغ ۱/۱ میلیارد دلار بسازد. این شرکت با شرکت نخیل توافق کرده است تا در کرانه‌های جزیره جمیرا، هتل ترامپ اینترنت‌شال را

بسازد. شرکت ترامپ در ایالت‌های مختلف آمریکا مثل نیوجرسی، شیکاگو، نیویورک، لوس‌آنجلس و جزایر کارائیب و کره جنوبی و... هتل‌های متعددی را ساخته است. گرچه قبل از این، یک شرکت دیگر آمریکایی نیز توافق کرده بود که یک هتل بسیار مجلل بنام آتلانتیس را با بیش از یک میلیارد دلار در این جزیره احداث نماید (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

بنابراین فروش این جزایر مختلف توسط امارات به کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آینده خود باعث پدید آمدن بسیاری از مسایل مختلف سیاسی، امنیتی و یا حقوقی در خلیج فارس خواهد شد. زیرا با این اقدام امارات، بعید به نظر نمی‌رسد که این کشور در آینده بخواهد در موضوع تعیین مرزی و نیز مسأله جزایر، کشورهای فرامنطقه‌ای را وارد موضوع نماید و این موضوع را بین‌المللی جلوه دهد. گذشته از موارد فوق، با ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات، بحث استقرار انواع سلاح‌ها و موشک‌ها نیز در آن مطرح می‌باشد که موجب نزدیک‌تر شدن امارات به سواحل ایران، مناطق عمیق خلیج فارس و آبراهه‌های کشتی‌های بزرگ می‌شود.

۳-۶- پیامدهای سیاسی جزایر مصنوعی

از لحاظ سیاسی می‌توان گفت، ضریب سخنان برخی از شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس درباره ایران در سال‌های اخیر تابعی شده است از چگونگی نوسان مواضع واشنگتن و تهران. از طرفی دیگر، همیشه در بیانیه‌های نهایی نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزراء خارجه و یا رؤسای کشورهای عضو، جمله‌ای هم درباره سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک می‌آورند. بنابراین مواضع سیاسی امارات نیز از این قاعده مستثنی نیست. هرچند با بحران مالی جهانی، به نظر می‌رسد، روند پیشرفت ساخت جزایر مصنوعی امارات رو به کندی گراییده باشد، اما به‌طور کلی با فضا سازی کاذب، امارات قصد دارد موضوع جزایر سه‌گانه را تبدیل به موضوع عربی و ایرانی نماید؛ تا در این فضای غبارآلود بتواند، با خیال راحت‌تری به ساخت جزایر مصنوعی اقدام نماید.

دولت آمریکا از این طرح حمایت کرده است؛ به‌طوری‌که ژنرال اریک کمیت از مسئولین نیروی مرکزی آمریکا در امور سیاسی در گفتگو با تلویزیون فرانسه گفته است: «واشنگتن از طرح

ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس حمایت می‌کند و ادعای شیوخ امارات در خصوص مالکیت بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک را تأیید می‌کند» (www.mfa.gov.ir).

مسئولین سیاسی ایران، هنوز هیچ اقدام یا موضع‌گیری خاصی انجام نداده‌اند. سخنگوی دولت در پاسخ به سوال خبرنگاری که از ایشان درباره این موضوع سؤال کرد، اظهار داشت: «اطلاعی از این که اماراتی‌ها در ساحل خود یا آبهای آزاد سرگرم ساخت جزایر مصنوعی هستند، ندارم. اگر در سرزمین‌های ملی خودشان اماکن‌سازی کنند، هیچ مشکلی وجود ندارد.» حسن کامران نماینده مجلس و استاد دانشگاه تهران می‌گوید؛ این اقدام مغایر با کنوانسیون‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۵ است. اخیراً زمزمه‌هایی از برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با جلوگیری از تخریب زیست محیطی و نقض آشکار قوانین بین‌المللی ناشی از ساخت این جزایر و ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز به مجامع بین‌المللی شنیده شده است؛ اما این اقدامات در مقایسه با سرعت پیشرفت این پروژه‌ها مؤثر نخواهد بود (<http://Tabnak.ir>).

به نظر می‌رسد، این جزیره‌سازی در آب‌های خلیج فارس از سوی امارات با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا در راستای تأمین منافع صهیونیسم بین‌الملل و فشار مضاعف سیاسی بر ایران در موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی و برای کاهش نفوذ و قدرت ایران در داشتن بیشترین مرز دریائی در این منطقه باشد.

۷-۳- پیامدهای اقتصادی جزایر مصنوعی

اقتصاد امارات متحده عربی تا قبل از ۱۹۵۰ (زمان کشف نفت) عمدتاً بر صنعت ماهیگیری و صید صدف مروارید استوار بود. اما از سال ۱۹۶۲، زمانی که شیخ‌نشین ابوظبی برای نخستین بار اقدام به صادرات نفت کرد؛ اقتصاد این کشور با تغییرات چشمگیری رو به رو شد. با توسعه صنعت نفت، سرمایه‌گذاران خارجی دست به سرمایه‌گذاری زدند که باعث توسعه بخش‌های مختلف اقتصاد شد. امارات، هم اکنون، بزرگترین مرکز صادرات کالاهای خاورمیانه به‌شمار می‌رود. گمرگ امارات، ایران را بزرگترین شریک صادرات مجدد این کشور معرفی کرده‌اند. این رابطه بعد از فشار غربی‌ها در مورد مسأله هسته‌ای ایران و تحریم اقتصادی با

اختلال مواجه شد، اما همچنان این کشور بزرگترین تأمین کننده کالاهای غیرنفتی ایران است. هم اکنون کالاهایی که از طریق صادرات مجدد به ایران می‌آید، با قیمتی بالاتر از قبل به ایران فروخته می‌شود (بانگل و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۰). در عین حال، ساخت جزایر مصنوعی برای امارات، نتایج ذیل را در بر خواهد داشت:

- ۱- وابستگی اقتصادی کشور امارات به نفت و گاز تا حدود زیادی از بین خواهد رفت؛
- ۲- موجب جذب سرمایه از سراسر نقاط دنیا و بویژه فرار سرمایه از ایران به این کشور خواهد شد؛ به طوری که قبل از بحران اقتصادی جهان، بیش از ۶۵۰۰ شرکت ایرانی با بیش از ۴۰۰ میلیارد سرمایه در این کشور فعالیت می‌کردند (<http://sarmayeh.net/webfa>).

۴- تجزیه و تحلیل

سوال اصلی مقاله حاضر این است که از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده پژوهی، احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی در سواحل خلیج فارس، چه پیامدهایی بر ایران خواهد داشت؟ برای پاسخ مناسب به سؤال این سوال، سه فرضیه به ترتیب زیر مطرح شد:

- ۱- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث طولانی‌تر شدن روند تعیین مرزهای دریایی ایران با امارات خواهد شد؛
 - ۲- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث پیچیده‌تر شدن اختلاف بر سر جزیره ابوموسی و نیز باعث تیرگی روابط متقابل بین ایران و امارات خواهد شد؛
 - ۳- احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی، باعث محروم شدن ایران از حقوق دریایی خود به عنوان دارنده بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس خواهد شد.
- قبل از ارزیابی فرضیات فوق‌الذکر، شایسته است یادآوری شود، امارات متحده عربی به دلایل زیر، از اهمیت جغرافیایی بالایی برخوردار است: ۱- دارا بودن سواحل زیاد در خلیج فارس (حدود ۷۰۰ کیلومتر)؛ ۲- ارتباط با دریای عمان و واقع شدن در بخش شمالی و جنوبی کشور عمان؛ ۳- مرکز مبادلات و تجارت آزاد منطقه‌ای؛ ۴- همجواری مرز با عربستان سعودی

و داشتن مرز آبی نسبتاً زیاد با جمهوری اسلامی ایران. همچنین موقعیت خاص این کشور به جهت قرارگیری در نزدیکی تنگه هرمز و و اشراف آن بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، از دیگر دلایل اهمیت جغرافیایی آن محسوب می‌شود.

از طرفی دیگر، این کشور از یک اقتصاد باز برخوردار است و امور تجاری و صادرات نیز یکی از منابع درآمدهای قابل توجه این کشور است که از این جهت، در مقایسه با دیگر کشورهای عربی، موقعیت ممتازی دارد. همچنین دولت امارات یکی از اعضای مهم شورای همکاری خلیج فارس است و با اتخاذ سیاست‌های این کشور در تعامل با کشورهای فرامنطقه‌ای بویژه آمریکا و ادعاهای واهی آن در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی، به‌طور فزاینده‌ای در امور سیاسی و امنیتی خود به بیگانگان متکی است. بنابراین، مجموعه این شرایط درباره امارات، گویای این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست با هرگونه تصمیم و اقدام دولت امارات درباره ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس که در جهان بی‌نظیر است، با حساسیت مضاعفی آن را رصد و تبعات مختلف آن را در آینده پیش‌بینی نماید.

بنابراین، یافته‌های تحقیق درباره فرضیه اول نشان می‌دهد که همه وضعیت و شرایط موجود از قبیل؛ اهمیت اقتدار و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دارنده بیشترین ساحل و جمعیت در خلیج فارس، رعایت حقوق متقابل کشورها در اطراف دریای نیمه‌بسته بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها، عدم تعیین حدود بخش زیادی از مرزهای دریایی ایران با امارات، کم‌عمق بودن سواحل امارات و مستعد بودن برای ساخت جزایر مصنوعی و خشک نمودن بخش زیادی از سواحل و پیشروی به سمت دریا؛ گویای این واقعیت است که زمینه برای سوء استفاده امارات در راستای طولانی و پیچیده نمودن تعیین مرزهای دریایی با ایران فراهم است و همچنین پیش‌بینی می‌شود که در آینده، امارات با سوء استفاده از قاعده عرف و گذشت زمان، ادعای تعیین مرزهای دریایی خود با ایران را بر اساس خط مبدأ جدید، با توجه ساخت جزایر مصنوعی و سواحل خشک شده به سمت دریا، مطرح نماید.

یافته‌های تحقیق درباره فرضیه دوم نشان می‌دهد که همه وضعیت و شرایط موجود از قبیل؛ اهمیت استراتژیک جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در مدخل ورودی تنگه هرمز و محدود

بودن آبراهه‌های بین‌المللی در خلیج فارس، اهمیت مضاعف خلیج فارس برای ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، متکی بودن امارات در مسائل سیاسی و امنیتی به شورای همکاری خلیج فارس و ایالات متحده آمریکا، ترغیب ساخت جزایر مصنوعی توسط سایر کشورهای عربی خلیج فارس، فروش و پیش‌فروش جزایر مصنوعی ساخته شده توسط امارات به کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، عدم اعلام رسمی امارات در مورد محدوده آبهای سرزمینی خود از زمان شروع تعیین حدود مرزهای آبی در خلیج فارس؛ گویای این واقعیت است که در آینده، اختلاف موجود امارات با ایران بر سر جزایر سه‌گانه، پیچیده‌تر، و امارات تلاش خواهد کرد تا شکل بین‌المللی به این موضوع بدهد. همچنین بعید به نظر نمی‌رسد که امارات با استفاده از قاعده عرف و گذشت زمان، ضمن اعلام دریای سرزمینی خود، ادعای قرار داشتن جزایر سه‌گانه در محدوده دریای سرزمینی خود را با جرأت و جسارت بیشتری در آینده مطرح نماید.

علاوه بر این، با توجه به اهمیت و ضرورت حفظ اقتدار و منافع ملی کشورمان در حوزه‌های مشترکی که در آینده در بستر خلیج فارس کشف خواهند شد، تعیین مرزهای دریایی با امارات، در کوتاه‌ترین زمان و به دور از هرگونه تنش فی‌مابین ضروری است. در حالی که اختلافات ارضی و مرزی موجود در بین کشورهای این منطقه، سیستم غلط امنیتی و اقتصادی حاکم بر کشورهای عربی خلیج فارس و متکی بودن آنها به قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا؛ زمینه و شرایط احداث جزایر مصنوعی برای امارات را فراهم ساخته است. بنابراین در آینده ساخت این جزایر، باعث تیرگی روابط ایران و امارات و نیز باعث حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس خواهد شد.

یافته‌های تحقیق درباره فرضیه سوم نشان می‌دهد که پیامد حقوقی می‌تواند زیربنای همه پیامدهای دیگر باشد. به عبارت دیگر، پیامد حقوقی به اندازه‌ای دایره و ابعاد آن وسیع است که خود می‌تواند در صورت اعاده نشدن حق طرفین، در آینده منجر به پیامدهای ناگوار دیگری شود. بنابراین، ایران بر اساس مواد قانونی کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها (ذکر شده در متن مقاله)، می‌تواند نسبت به اعاده حقوق از دست رفته خود ناشی از ساخت غیرقانونی جزایر مصنوعی توسط امارات در آبهای خلیج فارس، در مجامع بین‌المللی طرح اعتراض و اعاده حقوق

نماید؛ زیرا خلیج فارس طبق قوانین بین‌المللی، یک دریای نیم‌بسته‌ای شناخته شده است که کشور ایران به‌عنوان دارنده بیشترین جمعیت و ساحل در این دریا، حق دارد نسبت به همه پیامدهای ناشی از ساخت این جزایر که اقتدار و منافع ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد و وضعیت زیست محیطی و امنیت جمعی خلیج فارس را مخدوش نماید؛ حساسیت مضاعفی از خود نشان دهد و این موضوع را قبل از هر نوع اقدامی، به دادگاه صالحه بین‌المللی ارجاع نماید.

۵- نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در مجال کم این مقاله و در افق آینده‌پژوهی، پیامدهای ناشی از ساخت جزایر مصنوعی بر ایران در خلیج فارس مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت. ابعاد این پیامدها در هر موضوع مطرح شده در این مقاله، می‌تواند بسیار گسترده‌تر باشد. امید است که اساتید و پژوهشگران محترم نسبت به تکمیل این مباحث و مطرح نمودن جزئیات آن عنایت ویژه‌ای مبذول فرمایند. در هر حال، می‌توان به‌طور اجمال، پیامدهای ناشی از ساخت جزایر مصنوعی امارات بر ایران در خلیج فارس را این‌گونه معرفی نمود:

پیامدهای مرزی: (خشک شدن سواحل امارات به سمت آبهای خلیج فارس و پیش‌بینی ادعای آینده این کشور مبنی بر تغییر خط مبدأ دریایی؛ پیش‌بینی افزایش ادعای واهی امارات درباره جزایر ایرانی در خلیج فارس؛ پیچیده شدن مکانیزم تعیین مرزهای دریایی بین دو کشور در بستر و سطح دریا؛ سوء استفاده امارات از کنوانسیون حقوق دریاها و پیش‌بینی متوسل شدن به عرف و گذشت زمان).

پیامدهای حقوقی: (عدم رعایت مواد قانونی کنوانسیون حقوق دریاها توسط امارات، خود زمینه مناسبی را برای شکایت ایران به‌عنوان بزرگترین کشور ساحلی در خلیج فارس بر علیه امارات فراهم می‌سازد).

پیامدهای زیست محیطی: (ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات، مانع گردش و رسوب‌گذاری طبیعی در خلیج فارس است؛ افزایش آلودگی ناشی از گسیل فاضلاب و... به خلیج فارس؛ ایجاد مشکل جدی در روند زندگی آبزیان دریایی خلیج فارس؛ ترغیب دیگر کشورهای عربی

خلیج فارس در ساخت جزایر مصنوعی شبیه امارات).

پیامدهای ژئوپلیتیکی: (افزایش سواحل امارات و تسلط بیش از پیش آن به آبراهه‌های بین‌المللی و جزایر استراتژیک در خلیج فارس؛ ترغیب دیگر کشورهای عربی خلیج فارس در ساخت جزایر مصنوعی شبیه امارات؛ پیش‌بینی کاهش اقتدار جمهوری اسلامی در پهنه خلیج فارس).

پیامدهای سیاسی: (تبدیل موضوع جزایر ایرانی مورد اختلاف با امارات در خلیج فارس به موضوعی عربی و ایرانی؛ پشتیبانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از ساخت جزایر مصنوعی امارات؛ حضور دائمی کشورهای اروپایی در خرید و مالکیت جزایر مصنوعی امارات؛ زمینه حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس).

پیامدهای اقتصادی: (افزایش درآمد اقتصادی امارات و رقابت با ایران در صادرات و واردات کالا در خلیج فارس؛ جذب سرمایه از سراسر نقاط دنیا و فرار سرمایه از ایران به این کشور).

به نظر می‌رسد، بهترین و سریع‌ترین راهکار جهت جلوگیری از ادامه ساخت این جزایر، تأکید بر قوانین کنوانسیون حقوق دریاها و مسائل زیست محیطی و تخریب اکوسیستم خلیج فارس از طریق دستگاه سیاسی کشور است. همچنین از دیدگاه جغرافیای سیاسی و کنوانسیون حقوق دریاها، تلاش جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از پیامدهای نامطلوب ساخت این جزایر توسط امارات در خلیج فارس به‌عنوان دریای نیمه‌بسته، امری مشروع محسوب می‌شود. علاوه بر این، شایسته و مؤثر به نظر می‌رسد که ایران با تشریک مساعی با برخی از کشورهای عربی ساحل جنوبی خلیج فارس در موضوع آلودگی محیط زیست دریایی و نیز با هدف ایجاد هماهنگی و همکاری در هرگونه فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی در دریای نیمه‌بسته خلیج فارس، مبادرت به برگزاری همایش بین‌المللی نماید.

۶- قدرت‌دانی

نگارندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه امام حسین (ع) به‌خاطر مساعدت در انجام پژوهش حاضر قدرت‌دانی به عمل می‌آورند.

منابع

۱. اسدی، بیژن (۱۳۸۱)؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
۲. امامی، محمدعلی (۱۳۸۰)؛ عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳. اخباری، محمد و دیگران (۱۳۸۸)؛ جغرافیای مرز- با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴. بانگل، ام راباسا و دیگران (۱۳۸۷)؛ جهان اسلام پس از یازده سپتامبر، ترجمه مهدی مطهرنیا، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی صنایع دفاع.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴)؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. حافظنیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳)؛ اقیانوس‌های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۷. زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۴)؛ صلح و ژئوپلیتیک زیست محیطی و...، فصلنامه ژئوپلیتیک، انجمن ژئوپلیتیک ایران، چکیده مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۸. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۱)؛ خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت.
۹. روزنامه اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹.
۱۰. روزنامه قدس ۱۱ بهمن ۱۳۸۸.
۱۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶)؛ کنوانسیون حقوق دریاها، تهران.
۱۲. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۲)؛ جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس، تهران.
۱۳. کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۴)؛ ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۴. کردوانی، پرویز (۱۳۷۷)؛ مسائل آب کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس، مجموعه مقالات مسایل جغرافیایی جهان اسلام، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).
۱۵. گل‌وردی، عیسی (فروردین ۱۳۸۴)؛ جزایر سه‌گانه و مالکیت سه هزار ساله، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، نیروی دریایی سپاه، سال ششم، شماره ۵۳.